

File No.

1856.57.

Collection No. 9

MUTINY PAPERS

Proc. Serial Nos.

Files of SIRAJUL AKBAR.

Vol. 12 ; no. 27 ; September 20, 1856.

Subject

News about the Singhul Galt at Delhi and other news from the DEHLI URDU AKBAR.

Fols. 4 ; Size 12" x 7 $\frac{3}{4}$ " (Printed).

Previous References.

Later References.

یوم یکشنبه ششم محرم الحرام

وقتی که شهسوار آفتاب زمام اشهب تند خرام
 بطرف سپهر نیلی فام معطوف ساخت
 شهینشاه گیتی پناه بعد انضارغ نماز صبحگاه
 عضد الدوله بهادر را پیش پای او را کینض قتل
 نواختند بحضوری ارکین بلند گلگون جلوه آفر
 و از زبانی وقار الدوله خلیفه اسمعیل خان
 غول طبع قدس سمیع فرمودند به پدرش آداب
 و کورنش بهادران ایشان داخل مشکوی
 خسروی گشتند طعام تبرک عوس حضرت
 مولانا قطب الدین صاحب مرسله زوجه
 حضرت نصیر الدین عرف کمالی صاحب مغفور
 بحضور رسانیدند منکام نصف النهار
 نمک افزای مایه طعام گشته استراحت
 فرمودند بعد ادای نماز پیشین و عصر حاضرین
 در دولت و علمه سواری را در شرف زرخیز
 سرافراز نمودند یکب قطعه شقه و مخطی حاضر
 اسمی احترام الدوله بهادر شعر حالات
 مزاج قدس نزد خانم کور فرزند
 خانم کور بچو اشب عضد اشته بحضور

نضل بفضل محاصل ان رسالی نموده باشد
 و در وی متعلق عرضی چو دسری کشتیا
 و کهای رام و غیره کرایه داران اراضی باغ
 قدسید شعر اسکایت ز سیداران اندام وی
 و زردی نمودن چو بگری و غیره انان مشعر
 بدین ارشاد که ان فدوی خاص محشریت
 بر نگار که ز سیدان مذکور از داخل اینجا
 ممانعت و مجتمع شدن انان به سبب مهر خام
 فرموده بنا بر اجرای حواله غلام احمد خان
 سرچو کی نموده بعد پذیرفتن اداب و کورنش
 بهادران نامی نصف النهار منکام خوانند
 زینت داده نیلو که گاه ار استند آباد
 نماز پیشین و دیگر اشتغال پیشین عصر که ار
 آخرین نماز عرض حضوری حضار در بار
 و توزک و سواری خاص جلوه آفر گشته
 متوجه سیر و کلکنت گردیدند و در اثنای راه
 اداب و کورنش نظارت خان بهادر
 اجابت فرموده از دسودی خاص پوره
 داخل ایوان غرورشان شدند
 شام گاه حسب معمول عضد الدوله
 یاد فرمودند

یوم یکشنبه ششم محرم الحرام

ارساله اشته بیگام مغرب عضدالدوله حکیم غلام
 خان بهادر معمول با فرموده و
یوم دوشنبه یکم محرم
 صبحگاه آن حضرت طلبجانی خلیفه الرحمانی
 نماز باید نمودی نموده عضدالدوله بهادر را
 شرف نبض شناسی بخشیدند و مجرا و تسلیم جمله
 حضار در برابر اجابت فرموده در دیوان خاص
 رونق افروز گردیدند عرض شد که قلعه ایست
 حاضر سینود فرمان شد که حاضر شود درین اثنا
 بهادر متصف جبهه ساگردیده اداب و کورتر
 مودی ساخت و باستفاد خبر مراح اقدس
 پرداخت حضور لایح النور نیز تکلمات
 عنایت امیر به نسبت بهادر موصوف
 فرموده ماندند و بعدت کرده ولیعهدی نشین
 ترخیص سرفراز فرمودند قریب نصف النهار
 بعد تناول خاصه و استراحت قیلود
 منشی کند لعل را یاد فرمودند که دو قطعه شدند
 اسمی امین الدوله بهادر حسب الارشاد اقدس
 نوشته حاضر آرد اخرین بنای یادای
 نماز پیشین و دیگر اشغال بنشین حضور عر

3
 سواری و تو ترک رکاب برآمد کشته مجرا تسلیم
 حاضرین در دولت پذیرا فرموده متوجه
 سیر و سوآخوری بطرف بازار شریعی
 گردیدند هنگام شام از اینجا سعادت فرود
 داخل کاشانه اقبال شدند و سماز وقت
 حسب معمول عضدالدوله بهادر را یاد فرمودند
یوم سه شنبه بیست دوم محرم
 معمول کسره از فریضه نگاه انفران یافتند
 عضدالدوله بهادر را به نبض شناسی مستند
 ساختند حضار در برابر موافق معمول بهر در
 ناصیه ساگشتند حضور نبض کنجور از لوبان
 بنشینت بیان جلوه افروز شدند یک راس
 اسب برونک سبزه بر حضور تصدق گنایند
 بسکنان و محتاجان مرحمت کردند نهان
 منشی کند لعل را یاد فرمودند منشی مذکور
 حاضر گردیده حسب احکام مرد و قطعه شدند
 اسمی امین الدوله بهادر کی در باب
 منظور خاطر بودن روانگی قره باصره
 خلافت غده ناصیه جلالت میرزا محمد
 بجانب کلکته بنا بر سیر و سیاحت بلاد و

مشعر بن ارشاد که اگر در روزی آن فذ و بخار
 این معنی است سخن باشد عرض داشت خود
 بسیار شسته و الا بحضور ارشاد آرد
 و در وی مشعر بن ارشاد که حضور با نور
 چیزی از آن فذ و بخار ضرور ارشاد
 فرمودن است آن فذ و بخار بحضور
 حاضر شود و بنظر آن در رسانیده بعد ملاحظه
 سبیل ممبر خاص فرموده حکم اجرای شسته
 قرب نصف النهار لذت آبرای مایه
 طعام شسته قبلو گاه را رونق دادند
 بعد ادای نماز شبین و دیگر اشغال عصر
 خوانند آخرین نماز بعضی حضور
 ارکین در بار منوچه سر و کلانت
 بطرف سلیم که کرده اند هنگام مغرب
 از آنجا مراجعت فرموده ۵۰ شستن
 ارم نشان لوتق داده عضد اله و له
 حسب معمول یاد فرمودند
یوم چهارشنبه بمحرم
 عبادت معهود فریضه بامداد کرده
 عضد اله و له بهادر را بر نبض مقدس

کامیاب نموده و حاضرین در دولت
 اداب و کورنشش معروض گنایند
 عرض شده که امین اله و که حاضر میشود
 برای پیشوائی بهادر موصوف به نظر بخار بهادر
 و سیف الدوله و کیل سلطانی فرمان رفت
 انما حسب الحکم بجا آورده درین اثنا
 بهادر متصف حک الحکم در خلوت به شمع
 ناصیه ساسی بساط خسر و الکیه کردیده
 اداب و کورنشش بعد فرسایند و باستفا
 خبر مزاج برداشت حضور لایح النور
 چیزی ارشادات در خلوت به بهادر موجود
 فرموده مانده و گویا نوبت معتبر اله و که بهادر
 و نظارت خان بهادر و سیف الدوله
 و کیل سلطانی در آنجا حاضر مانده بعد عتبه
 بشرت ترخیص مشرت ساخته داخل
 ایوان عزوستان شدند نصف النهار
 هنگام خوان نعمت رازیت داده
 استراحت فرمودند با ادای نماز شبین
 و دیگر اشغال دینشین عصر گذارند
 آخرین نماز بعضی حضور می حضار در
 و تو زنگ سواری خاص جلوه افزایند

متوجه سیر و تفریح بطرف سلیم کرده گردید
 در آنجا ز سیداران کاینه داره عرضند
 که دینه سکونت مایان باعث طغیانها
 در غوغی آمده برای سکونت جای از حضور
 مرحمت شود فرمان شد که نزد معتبره اله و له
 رفته بیان سازند که او نشان جایی
 برای سکونت ایشان تجویز نموده خواهد داد
 شام گاه از آنجا مراجعت نموده
 ابوان بکنت بنیان را رونق دادند
 و معتبره اله و له غلام نجف خان بهادر را
 حب معمول باد افسر بودند

یوم چهارم بیستم بهرام محرم

سوز از خطوط اشعاعی مهر بر اوراق
 نیلگون جدول طلائی نگردیده که شاه
 اسلام پناه فریضه بگام سودی نموده
 و معتبره اله و له غلام نجف خان بهادر را
 بشرت نبض شناسی رسانیده رونق افزوده
 شدند بعد پذیرین ادا ب و کور نشین
 بار مایان بارگاه عز و جاه بلا حظه عرضند
 بهاری فعل و کبیل سرکار معه یک قطعه

واجب العرض امین الدوله بهادر
 در باب طلب مختان مقدمه نادر محل عینه
 از سرکار والا فرمودند که شقه بنام
 وارثان سیر زانها سرخ بنابر طلق مختان
 نوشته شود و بلا حظه یک قطعه شقه
 مرتبه دارالانت در باب طلب مجویش
 طوائف مع نقل عرضی سیر عدل بهادر
 و عرضی سیر زانها اب الدین بهادر
 متضمن نشدن روانگی مسماة فرکور
 باعث سناحت بودن سیر زانها اب الدین
 و بودن اولاد از و سجل بمهر خاص فرموده
 حکم اجرائی سرشته دادند و بلا حظه یک قطعه
 واجب العرض امین الدوله بهادر
 مع سند وی مبلغ صد و ششاد
 و سه روپیه بابت ادنی ماه جولای
 باغ صاحبه ابا و فرمودند که داخلای الز
 بر حسب دستور نوشته فرستاده شوند
 و چاره تسلیم بهادران نامه اجابت
 داخل مشکوی کتبی کردیدند
 قریب نصف النهار خان الوان
 نعمت راز نیت داده قبلو گاه را

روفتی دادند بادامی نماز پیشین و دیگر اشغال
 و نشین عصر که اردند آخرین نماز
 بعضی حضوری تو زک رکاب و دیگر عجله
 عفتت تا ب برخصت نواخته را
 شام گاه عفتت الد و غلام نجف بیاد
 حسب معمول باد فسر بودند

یوم جمعیه بیستم محرم

بادامی فرضیه یوم آینه عفتت الد و غلام
 غلام نجف خان بیاد در اربعه اوقات
 مستعد ساخته حاضرین در دولت را
 برخصت نواختند بملاحظه یک قطعه
 واجب العرض امین الدوله بیاد در
 مشغور بودن روانگی مجویش
 طوائف بعدالت نویداری برخواست
 صدور نغمه والا بنام کارگزاران احکام
 بنا بر فرستادن مسامحه مذکور فرمودند
 که ششده خاص بنا بر طلب زودتر
 بنام میر عدل بیاد در عزا صدور یا بد
 و بملاحظه دو قطعه ششده مرتبه دارالانشاء
 اسمی امین الدوله بیاد در یکی در باب

رسیده آمدنی باغ صاحبه آباد و دو
 مع نقل عرشه راجه زور او چند بیاد
 بقدره و اصل مانند ن قسط قسک
 شش هزار روپیه موسوم امر او سنگ
 و اجد میار شاد باعث انتقال
 اجد میار شاد اکنون از رسید جناب آ
 جد اجد میار شاد و امر او سنگ
 متضمن بن ارشاد که چون حضور انور
 تلف حق احدی منظور است ان فدوی
 یک صد و شش و هفت روپیه شش
 مجتمع خزانه نجفی بابت فصل گذشته
 از رسید هر ی ایشان را به
 و انیده را نیز میداده باشد مسجل
 بجهت خاص فرموده حکم اجرائی ششده دادند
 نصف النهار منکام لذات برای
 مایه طعام شده استراحت فرمودند
 بعد ادای نماز پیشین و دیگر اشغال پیشین
 عصر خوانند آخرین نماز بعضی حضور
 حضار در باره سواری و تو زک رکاب
 بر آمدگشته متوجه سیر و تفریح بطرف
 بازار شری گردیدند بعد ساعتی از آنجا

معاودت کردن در دیوان خاص صوفی
 کشتند ادب و کوشش نیز از نظم و کلام
 وغیرہ سلاطین اجابت فرموده عقد کج
 میر میرزا نور با صبیح میرزا ابو سعید بیاد
 روز بروی خود منعقد ساخته داخل
 کا نشانہ اقبال کردید نیز تکام شام
 حضرت علامہ حضرت خجف خان اہل
 حب معمول باد آنسر سو دنہ

دہلے اردو اخبار ختہ کابل

کاربائنت دی کزت کا انہی جنہی
 مرزومہ کیم ستمبر سنہ روان میں مقام
 مذکور سے آگہتاسی کہ ہا تا سچ می
 سنہ حال کو مینی نہیں اطلاع دی ہے
 کہ سپاہ ایران فی سرات کو تسخیر کر لیا
 بہ شہرت قزلباشان کابل نے شایع
 کیے تھے خانہ وہ لوگ اتیک حال
 فتح مذکورہ تفصیل بیان کرتی ہیں
 لیکن گزراہلی شہر اور اہلی دربار
 اسکے خلاف ظاہر کرتی ہیں بلکہ سردار

محمد عمر خان ناظم کابل نے واسطی
 مشہور کرنی ایسی چوٹی خبروں کے
 ایک شخص کو سزا ہی دی سو جب تک
 عین خاص سرات سے بوجب خط کی
 خبر صحیح درباب تسخیر سرات پوچھی کہ خبر
 ہا تا سچ می کی مشکوک ہے ہا سچہ خبر تک
 قاصد سرات کو بھیجا ہے بروقت
 اسکے معاودت کی جو خبر وہ لاو بگا
 میں نہاری پاس بھون کا کہنے میں
 کہ سید محسن نام ایک قاصد لازم
 صاحب کتھر شاہ اور نے سرات سے
 معاودت کی ہے اور بیان کرنا ہے
 کہ شاہزادہ مراد میرزا سچا شاہ ایران کا
 مع کچھ فوج کمک کی لشکر ایران
 مقیم سرات میں پونجا ہے۔ قاصد
 مذکور گئے میری ایک دوست ہے
 سرای میں کہا کہ میں ایک سر بازنے
 ارا نے سیاسی کے ساتھ گرد لشکر ارا
 ہر اور سبرگی اور او سکی زبانی دریافت
 کیا کہ کل فوج قاچارہ ۳۶ سزار ہے
 اور سبب ہا دوسی سرباز کے

